





دانشگاه تهران
پردیس دانشکده‌های فنی
دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر

طراحی منطق دامنه بر اساس تبادل ناهمگام پیغام

نگارش

وحید ذوقی شال

استاد راهنما

دکتر رامتین خسروی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته
مهندسی کامپیوتر - گرایش نرم‌افزار

شہریور ۱۳۹۱

تقدیم به آنان که در خوشی‌هایم همراهی کردند و در ناخوشی‌هایم صبر؛

پدرم، مادرم و همسر مهربانم

قدردانی

خدای سبحان را سپاس می‌گویم که به من توان و قوه‌ی ذهنی عطا فرمود تا از عهده‌ی مشکلات انجام این پژوهش برآیم.

در ابتدا لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر رامتین خسروی که در انجام این پژوهش افتخار استفاده از راهنمایی ایشان را داشتم، تشکر و قدردانی کنم. مطمئناً این کار بدون کمک‌های همه‌جانبه و بی‌شائبه‌ی ایشان امکان‌پذیر نبود. از اعضای هیئت داوران محترم نیز برای فرصتی که در اختیار من قرار دادند تشکر می‌کنم.

طراحی منطق دامنه بر اساس تبادل ناهمگام پیغام

چکیده

آزمون مبتنی بر مدل، به معنی تولید خودکار موارد آزمون از مدل کارکردی و صوری سیستم تحت آزمون به صورت جعبه سیاه، که به عنوان راه‌حلی برای مسئله‌ی تولید و اجرای خودکار آزمون‌ها مطرح شده است، استفاده‌ی روزافزونی در سال‌های اخیر داشته است. ایده‌ی آزمون مبتنی بر مدل، اساساً به هدف آزمون سیستم‌های با رفتار پیچیده (و معمولاً همروند) مطرح شده است. با این حال، در این روش‌ها مدل‌سازی رفتار سیستم توسط نمادگذاری‌های سطح پایین (مانند ماشین‌های گذار) انجام می‌شود. برای مثال، در این روش‌ها مدل‌سازی مقادیر داده‌ای به عنوان پارامترهای ورودی و خروجی سیستم تحت آزمون یا اصلاً امکان‌پذیر نیست و یا منجر به تولید مدل‌های بسیار پیچیده‌ای می‌شود.

از سوی دیگر، روش‌هایی برای آزمون خودکار نرم‌افزار معرفی شده‌اند که هدف آن‌ها تولید موارد آزمون شامل داده است. این روش‌ها به جای توصیف رفتار سیستم توسط ماشین‌های گذار، با استفاده از متن برنامه (به صورت جعبه سفید) امکان توصیف روابط میان مقادیر داده‌ای و چگونگی تولید مقادیر داده‌ای به هدف آزمون را مهیا می‌کند.

بر این اساس، در این پژوهش چهارچوبی یک‌پارچه برای مدل‌سازی همزمان رفتارهای مورد انتظار از سیستم تحت آزمون از یک سو و توصیف داده‌های ورودی و خروجی آن از سوی دیگر ارائه شده است. این چهارچوب برای توصیف این موارد از زبان یوامال استفاده می‌کند. به این ترتیب امکان توصیف سیستم‌هایی که هم از نظر رفتاری و هم از نظر داده‌هایی که مبادله می‌کنند، پیچیده هستند فراهم می‌شود. در راستای طراحی این چهارچوب، هم‌چنین آزمون‌گری پیاده‌سازی شده است که موارد آزمون خود را بر اساس مدل‌های یوامال به صورت خودکار تولید می‌کند. **واژه‌های کلیدی:** طراحی منطق دامنه، تبادل ناهمگام پیغام، مدل بازیگر، همروندی

فهرست مطالب

۱	مقدمه	۱
۱	۱.۱ انگیزه‌ی پژوهش	۱
۲	۲.۱ صورت مسئله	۲
۲	۳.۱ روش پژوهش	۲
۲	۴.۱ روش ارزیابی	۲
۳	۵.۱ خلاصه‌ی دستاوردهای پژوهش	۳
۳	۶.۱ ساختار پایان‌نامه	۳
۵	۲ پیش‌زمینه تحقیق	۵
۵	۱.۲ مدل بازیگر	۵
۷	۱.۱.۲ معنانشناسی	۷
۹	۲.۱.۲ پیاده‌سازی‌ها	۹
۱۰	۲.۲ معرفی زبان اسکالا و کتابخانه بازیگر اسکالا	۱۰
۱۱	۱.۲.۲ زبان اسکالا	۱۱

۱۳	۳ کارهای پیشین
۱۳	۱.۳ الگوهای همگام سازی
۱۳	۲.۳ طراحی به روش ارتباط ناهمگام
۱۴	۱.۲.۳ مالتی کور
۱۵	۴ روش طراحی پیشنهادی
۱۵	۱.۴ معرفی مطالعه‌ی موردی
۱۵	۱.۱.۴ زیربخش
۱۶	۲.۴ طراحی سیستم به روش ناهمگام
۱۶	۳.۴ الگوها و سبک‌های طراحی
۱۷	۱.۳.۴ روشهای coordination
۱۷	۲.۳.۴ سبک های طراحی
۱۷	۴.۴ پیاده‌سازی
۱۹	۵ ارزیابی
۱۹	۱.۵ روش ارزیابی
۱۹	۲.۵ ارزیابی کارایی
۱۹	۳.۵ ارزیابی تغییرپذیری
۱۹	۱.۳.۵ بررسی معیارهای ایستا
۲۰	۲.۳.۵ اعمال تغییرات
۲۰	۴.۵ نتایج ارزیابی
۲۰	۱.۴.۵ تحلیل نتایج

۶	جمع‌بندی و نکات پایانی	۲۱
۱.۶	دستاوردهای این پژوهش	۲۱
۲.۶	کاستی‌های چهارچوب	۲۲
۳.۶	جهت‌گیری‌های پژوهشی آینده	۲۲
آ	تطبیق نمادگذاری‌ها	۲۳
	کتاب‌نامه	۲۴
	واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی	۲۷

فهرست تصاویر

۱.۲	بازیگرها موجودیت‌های همروندی هستند که به صورت ناهمگام تبادل پیغام انجام می‌دهند.	۶
۲.۲	قطعه کد نمونه برای زبان اسکالا.	۱۲

فصل ۱

مقدمه

از دیدگاه مهندسی نیازمندی ن

۱.۱ انگیزه‌ی پژوهش

VIII. CURRENT STATUS AND PERSPECTIVE Actor languages have been used for parallel and distributed computing in the real world for some time (e.g. Charm++ for scientific applications on supercomputers, Erlang for distributed applications). In recent years, interest in actor-based languages has been growing, among researchers as well as practitioners. This interest is triggered by emerging programming platforms such as multicore computers, cloud computers, Web services, and sensor networks. In some cases, such as cloud computing, web services and sensor networks, the Actor model is a natural programming model because of the distributed nature of these platforms. As multicore architectures are scaled, multicore computers will also look more more like the traditional multicomputer platforms. This is illustrated by the prototype, 48-core Single-Chip Cloud Computer (SCC) developed by Intel [36]. However, the argument for using actor-based programming languages is not simply that they provide a good match for representing computation on

a variety of parallel and distributed computing platforms. The point is that by extending object-based modeling to concurrent agents, actors provide a good starting point for simplifying the task of parallel (distributed, mobile) programming.

(از مقاله‌ی آقا ۲۰۱۰) روش‌های آزمون مبتنی بر مدل کاستی‌هایی نیز دارند. برای مثال در آی‌اوکو، استفاده از ماشین گذار برای توصیف سیستم تحت آزمون می‌تواند منجر به تولید مدل‌های بسیار پیچیده‌ای شود، زیرا ماشین‌های گذار علی‌رغم قدرت بیان بالا، چنانچه خواهیم دید، از نظر توصیفی نمادگذاری سطح پایینی محسوب می‌شوند و بنابراین مدل‌سازی جزئیات سیستم ممکن است حجم زیادی از پیچیدگی را در مدل‌ها به وجود آورد.

۲.۱ صورت مسئله

تمرکز اصلی این پژوهش بر آزمون مبتنی بر مدل سیستم‌های وابسته به داده^۱ قرار دارد. سیستم‌های وابسته به داده معمولاً حجم زیادی از اطلاعات را با محیط خود مبادله می‌کنند و رفتار آن‌ها وابسته به محاسباتی است که بر روی مقادیر داده‌ای انجام می‌دهند.

۳.۱ روش پژوهش

ارزیابی عملی با مطالعه موردی

۴.۱ روش ارزیابی

GQM

^۱data dependent

۵.۱ خلاصه‌ی دستاوردهای پژوهش

برخی از دستاوردهای این پژوهش را می‌توان به این ترتیب برشمرد: داد. به این منظور نمای سطح بالا برای تولید آزمون‌ها و بررسی نتایج در روش اصلی آزمون مبتنی برمدل در شکل

۶.۱ ساختار پایان‌نامه

برای بررسی این موارد، ساختار این متن در ۶ فصل تنظیم گردیده است:

- به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

- بررسی

- هاند.

-

فصل ۲

پیش زمینه تحقیق

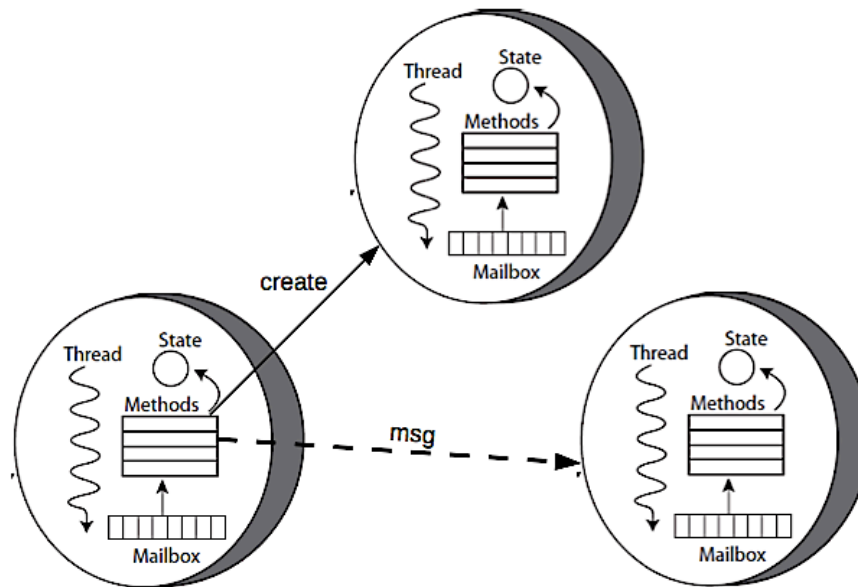
در این فصل به طور اجمالی مروری بر پیش زمینه‌ی پژوهش انجام شده است. در هر بخش سعی شده است که با حفظ اختصار، تنها جنبه‌های کاربردی مرتبط با پژوهش مطرح گردد.

۱.۲ مدل بازیگر

در زمینه‌ی برنامه‌نویسی همروند پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته و مدل‌هایی ارائه شده است [۱]. در این میان مدل بازیگر با توجه به استفاده از ارتباط ناهمگام و قابلیت توزیع بالا توجه زیادی را به خود جذب کرده است. با توجه به ارتباط تنگاتنگ این مدل با پژوهش حاضر، در این بخش به معرفی اجمالی این مدل می‌پردازیم. لفظ بازیگر برای اولین بار در حدود ۳ دهه پیش توسط هیوئیت [۲] به کار گرفته شد. بازیگر در کاربرد هیوئیت به معنی موجودیت‌های فعالی بود که در یک پایگاه دانش به جستجو پرداخته و در نتیجه کنش‌هایی را ایجاد می‌نمودند. در دهه‌های بعدی گروه هیوئیت با تکیه بر بازیگرها به عنوان عامل‌های محاسباتی^۱ مدل بازیگر را به عنوان یک مدل محاسباتی همروند گسترش داد. خلاصه‌ای از تاریخچه‌ی مدل بازیگر در [۳] موجود است. امروزه برداشت عمومی از مدل بازیگر مربوط به آقا [۴] می‌باشد. در ادامه‌ی این بخش مشخصات مدل بازیگر ارائه شده است.

مدل بازیگر که توسط هیوئیت و آقا [۲، ۵، ۶] ایجاد شده است، یک نمایش سطح بالا از سیستم‌های توزیع شده فراهم

^۱agents of computation



شکل ۱.۲: بازیگرها موجودیت‌های همروندی هستند که به صورت ناهمگام تبادل پیام انجام می‌دهند.

می‌کند. بازیگرها اشیای **لفافه‌بندی‌شده‌ای** هستند که به صورت **همروند** فعالیت می‌کنند و دارای **رفتار**^۲ قابل تغییر هستند. بازیگرها **حالت مشترک**^۳ ندارند و تنها راه ارتباط بین آنها تبادل ناهمگام پیام است. در مدل اکتور فرضی در مورد مسیر پیام و میزان تاخیر در رسیدن پیام وجود ندارد، در نتیجه ترتیب رسیدن پیام‌ها **غیرقطعی** است. در یک دیدگاه می‌توان بازیگر را یک **شیء** در نظر گرفت که به یک **ریسمان‌ریسمان**^۴ کنترل، یک صندوق پست و یک نام غیر قابل تغییر و به صورت سرارسی یکتا^۵ مجهز شده است. برای ارسال پیام به یک بازیگر، از نام آن استفاده می‌شود. در این مدل، نام یک بازیگر را می‌توان در قالب پیام ارسال کرد. پاسخگویی به هر پیام شامل برداشتن آن پیام از صندوق پستی و اجرای عملیات متناسب با آن است. این اجرای عملیات به صورت **تجزیه‌ناپذیر**^۶ و بی‌وقفه خواهد بود [۴].

همان گونه که گفته شد، مدل بازیگر سیستم را در سطح بالایی از انتزاع مدل می‌کند. این ویژگی دامنه سیستم‌های قابل مدلسازی توسط مدل بازیگر را بسیار وسیع نموده است. انواع سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری طراحی شده

^۲Behavior

^۳Shared State

^۴Thread

^۵Globally Unique

^۶Atomic

برای زیرساخت‌های خاص یا عام، و همچنین الگوریتم‌ها و پروتکل‌های توزیع‌شده مورد استفاده در شبکه‌های ارتباطی از جمله موارد مناسب برای بهره‌گیری از مدل بازیگر هستند. شکل ۱.۲ شمای کلی از مدل بازیگر و نحوه تعامل بازیگرها را نشان می‌دهد.

یک بازیگر در نتیجه‌ی دریافت پیغام احتمالا محاسباتی انجام می‌دهد و در نتیجه‌ی آن یک از ۳ عمل زیر را انجام می‌دهد:

- ارسال پیغام
- ایجاد بازیگر جدید
- تغییر حالت محلی

۱.۱.۲ معناشناسی

^۷ از نظر معناشناسی مشخصه‌های کلیدی مدل محض بازیگر عبارتند از: لفافه‌بندی و تجزیه‌ناپذیری^۸، انصاف^۹، استقلال از مکان^{۱۰}، توزیع^{۱۱} و تحرک^{۱۲} [۷]. باید توجه داشت که این مشخصه‌ها در مدل محض وجود دارند و این الزاما به این معنی نیست که تمام زبان‌های مبتنی بر مدل بازیگر از این مشخصه‌ها پشتیبانی می‌کنند. ممکن است تعدادی از این مشخصه‌ها در زبان‌های مبتنی بر بازیگر با در نظر گرفتن اهدافی مانند کارایی و سهولت پیاده‌سازی نشده‌اند. در این موارد باید با به کار بردن ابزارهای بررسی ایستا، مترجم‌ها و یا با تکیه بر عملکرد درست برنامه‌نویس از صحت عملکرد برنامه اطمینان حاصل کرد [۸].

- لفافه‌بندی و تجزیه‌ناپذیری^{۱۳}: نتیجه‌ی مستقیم مشخصه‌ی لفافه‌بندی در بازیگرها این است که در هیچ دو بازیگری،

^۷Semantics

^۸Encapsulation and Atomicity

^۹Fairness

^{۱۰}Location Transparency

^{۱۱}Distribution

^{۱۲}Mobility

^{۱۳}Encapsulation and Atomicity

به اشتراک گذاری حالت وجود ندارد. این مشخصه، تجزیه‌ی شیء گونه‌ی برنامه را تسهیل می‌کند. در زبان‌های برنامه‌نویسی شیء-بنیان مشخصه منجر به ایجاد تغییر تجزیه‌ناپذیر شده است. به این صورت که وقتی یک شیء، شیء دیگری را فراخوانی می‌کند، شیء مقصد تا پایان محاسبات مربوط به این فراخوانی، به فراخوانی‌های دیگر پاسخ نمی‌دهد. این مشخصه به ما اجازه می‌دهد تا بتوانیم در باره‌ی رفتار یک شیء در قبال دریافت یک پیغام (فراخوانی) با توجه به حالت شیء در زمان دریافت آن استدلال کنیم.

در محاسبات همروند، وقتی یک بازیگر مشغول انجام محاسبات مربوط به یک پیغام است، امکان دریافت پیغام جدید توسط آن وجود دارد اما مشخصه‌ی تجزیه‌ناپذیری تضمین می‌کند که پیغام جدید امکان قطع محاسبات جاری بازیگر و تغییر حالت محلی آن را ندارد. این مشخصه الزام می‌کند که بازیگر گیرنده، در هر لحظه فقط یک پیغام در حال پردازش داشته باشد و محاسبات مربوط به پیغام جاری را در یک قدم بزرگ^{۱۴} به صورت تجزیه‌ناپذیر طی کند. [۳] مشخصه‌های معناشناسی لفافه‌بندی و تجزیه‌ناپذیری به طور چشم‌گیری از عدم قطعیت مدل بازیگر می‌کاهند و با کوچکتر کردن فضای حالت برنامه‌های نوشته شده در مدل بازیگر، این برنامه‌ها را برای استفاده در ابزارهای آزمون درستی و verification(؟) قابل استفاده می‌کند [۹]. این دو مشخصه مجموعاً باعث می‌شوند تا بتوانیم بر اساس پیغام انتخاب شده برای اجرا و وضعیت محلی بازیگر در هنگام شروع به اجرا، رفتار یک بازیگر قابل پیش‌بینی باشد.

● **انصاف:** انصاف در مدل بازیگر به این مفهوم است که پیغام فرستاده شده نهایتاً به بازیگر مقصد خواهد رسید، مگر آنکه بازیگر مقصد به طور دائمی غیر فعال شده باشد. لازم به ذکر است که این تعریف از انصاف در رسیدن پیغام به بازیگر مقصد، متضمن انصاف در زمان‌بندی بازیگرها است. به این مفهوم که در صورتی که یک بازیگر در اثر زمان‌بندی غیر منصفانه، موفق به اخذ نوبت اجرا نشود، پیغام‌های فرستاده شده به مقصد آن بازیگر هرگز به مقصد نخواهند رسید. انصاف علاوه بر تضمین رسیدن پیغام‌ها، امکان استدلال مناسب درباره‌ی نحوه‌ی تداوم اجرای برنامه^{۱۵} را فراهم می‌کند. میزان طبیعتاً میزان موفقیت در تضمین این مشخصه در محیط‌های مبتنی بر بازیگر وابسته به منابع موجود در سیستم در حال اجرا است [۸].

● **استقلال از مکان، توزیع و تحرک:** در مدل بازیگر، ارسال پیغام به یک بازیگر تنها از طریق دسترسی به نام آن بازیگر ممکن می‌شود. مکان واقعی بازیگر تأثیری روی نام آن ندارد. هر بازیگر دارای فضای آدرس مربوط به خود است که می‌تواند کاملاً متفاوت با دیگر بازیگرها باشد. بازیگرهایی که به یکدیگر پیغام می‌فرستند می‌توانند روی

^{۱۴}Macro-Step

^{۱۵}Liveness Property

یک هسته از یک پردازنده‌ی مشترک اجرا شوند یا اینکه در ماشین دیگری که از طریق شبکه به آنها مرتبط می‌شوند در حال اجرا باشند. مشخصه‌ی استقلال از مکان در مدل بازیگر به برنامه‌نویس این امکان را می‌دهد که فارغ از نگرانی درباره‌ی محل اجرای بازیگرها به برنامه‌نویسی بپردازد. عدم اطلاع از مکان اجرای بازیگران منجر به قابلیت حرکت در آنها می‌شود. تحرک به صورت قابلیت انتقال پردازش به نودهای دیگر تعریف می‌شود. در سطح سیستم، تحرک از جهت توزین بار^{۱۶}، قابلیت تحمل خطا^{۱۷} و نیز پیکربندی مجدد^{۱۸} حائز اهمیت است. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که قابلیت تحرک در رسیدن به کارایی **مقیاس‌پذیر** به ویژه در کاربردهای **بی‌قاعده**^{۱۹} روی ساختار داده‌های **پراکنده** مفید است [۱۰]. در کاربردهای دیگر، توزیع بهینه به شرایط زمان اجرا و میزان بار وابسته است. به عنوان مثال، در کاربردهای وب، تحرک با توجه به شرایط شبکه و امکانات کلاینت مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۱]. از سوی دیگر، قابلیت تحرک می‌تواند در کاهش انرژی مصرفی در اثر اجرای کاربردهای موازی مفید باشد. در این کاربردها، محاسبات موازی به صورت پویا بین تعداد هسته‌های بهینه (تعداد هسته‌هایی که منجر به کمترین مصرف می‌شوند) توزین می‌شوند. قسمت‌های مختلف یک کاربرد می‌تواند شامل الگوریتم‌های موازی مختلفی باشد و میزان مصرف انرژی یک الگوریتم به تعداد هسته‌های مشغول اجرای الگوریتم و نیز بسامد اجرای آن هسته‌ها بستگی دارد [۱۲]. در نتیجه، ویژگی تحرک پذیری بازیگرها، ویژگی مهمی برای برنامه نویسی در معماری‌های چند-هسته‌ای به شمار می‌آید.

۲.۱.۲ پیاده‌سازی‌ها

برای مدل بازیگر زبان‌ها و چارچوب‌های زیادی توسعه داده شده است. ConcurrentSmalltalk، POOL، ABCL، ACT++ و CEiffel تعدادی از پیاده‌سازی‌های اولیه از این مدل می‌باشند. مرجع [۱] به بررسی این زبان‌ها پرداخته است. شاید بتوان زبان **ارلانگ**^{۲۰} [۱۳] را معروفترین پیاده‌سازی مدل بازیگر دانست. این زبان در حدود ۲۲ سال قبل برای برنامه‌نویسی سوئیچ‌های مخابراتی شرکت اریکسون^{۲۱} توسعه داده شد. علاوه بر ارلانگ زبان‌ها و چارچوب‌های مبتنی

^{۱۶}Load-Balancing

^{۱۷}Fault Tolerance

^{۱۸}Reconfiguration

^{۱۹}Irregular

^{۲۰}Erlang

^{۲۱}Ericsson

بر مدل بازیگر دیگری نیز در سال‌های اخیر مورد استفاده گرفته‌اند که کتابخانه‌ی بازیگر اسکالا^{۲۲} [۱۴]، Ptolemy [۱۵]، SALSA [۱۶]، CHARM++ [۱۷]، ActorFoundry [۱۸]، Library Agents Asynchronous [۱۹] از جمله‌ی آنها هستند. از کاربردهای متن-باز که بر مبنای مدل بازیگر توسعه داده شده‌اند می‌توان به سیستم تبادل پیغام توئیت^{۲۳} و چارچوب تحت وب لیفت^{۲۴} و از میان کاربردهای تجاری می‌توان به سیستم گپ^{۲۵} فیسبوک و موتور بازی وندتا^{۲۶} اشاره کرد. در این پژوهش برای پیاده‌سازی نسخه‌ی مبتنی بر تبادل ناهمگام پیغام از کتابخانه‌ی بازیگر اسکالا استفاده شده است (چرا؟) که در بخش؟ معرفی شده است.

۲.۲ معرفی زبان اسکالا و کتابخانه بازیگر اسکالا

همان‌طور که در بخش ۲.۱.۲ اشاره شد، پیاده‌سازی‌های مختلفی از مدل بازیگر در زبان‌ها و چارچوب‌های برنامه‌نویسی ارائه شده است. مقاله‌ی [۸] به بررسی و مقایسه‌ی این پیاده‌سازی‌ها پرداخته است. در این پژوهش زبان اسکالا و کتابخانه‌ی بازیگر آن برای پیاده‌سازی مطالعه‌ی موردی انتخاب شده است. گستردگی ابزار و همچنین فعال بودن جامعه^{۲۷}ی برنامه‌نویسی این زبان اصلی‌ترین انگیزه‌های انتخاب این زبان برای پیاده‌سازی بوده‌اند. ضمناً با توجه به انتخاب زبان جاوا برای پیاده‌سازی نسخه‌ی متداول مورد مطالعه و ارتباط تنگاتنگ زبانهای اسکالا و جاوا، انتخاب زبان اسکالا منجر به سهولت ارزیابی مقایسه‌ای مطالعه‌ی موردی شده است. در این بخش به معرفی اجمالی زبان اسکالا و کتابخانه‌ی بازیگر آن پرداخته شده است. هدف از این معرفی، سهولت درک روش طراحی پیشنهادی در فصل ۳ می‌باشد و به همین دلیل از توضیح جزئیات و امکانات اضافی این زبان خودداری شده است. کتاب [۲۰] به عنوان منبع این بخش استفاده شده است.

^{۲۲}Scala Actor Library

^{۲۳}Twitter

^{۲۴}Lift

^{۲۵}Chat

^{۲۶}Vendetta game engine

^{۲۷}Community

۱.۲.۲ زبان اسکالا

اسکالا مخفف عبارت “زبان مقیاس‌پذیر”^{۲۸} است و اشاره به این نکته دارد که اسکالا برای رشد بر اساس نیاز کاربر طراحی شده است. اسکالا را می‌توان برای گستره‌ی وسیعی از کاربردها از نوشتن اسکریپت‌های کوچک گرفته تا پیاده‌سازی سیستم‌های بزرگ به کار برد. برنامه‌های اسکالا بر روی محیط اجرایی جاوا^{۲۹} قابل اجرا هستند و در برنامه‌های اسکالا می‌توان از کتابخانه‌های استاندارد جاوا استفاده کرد. زبان اسکالا ترکیبی از ویژگی‌های زبان‌های تابعی و شیء‌گرا را در خود دارد. در زبان‌های تابعی، توابع مانند انواع داده‌ها قابل ارجاع هستند. اسکالا مانند جاوا دارای بررسی گونه‌های ایستا است.



در ادامه مشخصات نحوی زبان اسکالا در قالب یک مثال توضیح داده می‌شود. در شکل ۲.۲ قطعه کد اسکالا مربوط به کلاس Course نمایش داده شده است. برای آشنایی با نحو زبان اسکالا به بررسی این کد می‌پردازیم:

در خطوط ۱ و ۲ کلاس Course و متغیرهای name، units id و prerequisites به عنوان فیلدهای آن تعریف شده‌اند. در خط ۴ تابع equals از این کلاس override شده است. در اسکالا همانند جاوا هر کلاس به طور پیش‌فرض دارای یک تابع equals است که در صورت لزوم می‌توان آن را override کرد. همان‌طور که در کد مشخص است، تعریف تابع در اسکالا با کلمه‌ی کلیدی **def** انجام می‌گیرد. در خطوط ۴ تا ۸ شرط لازم برای یکسان بودن یک شیء از نوع Course با شیء حاضر پیاده‌سازی شده است. نوع و مقدار یک متغیر را می‌توان با استفاده از دستور .. case .. match با انواع و مقادیر دلخواه مقایسه کرد. نتیجه‌ی دستورات خطوط ۶ و ۷ این است که اگر متغیر other از نوع Course باشد و مقدار فیلد id آن با مقدار فیلد id از شیء حاضر یکسان باشد تابع مقدار true را برمی‌گرداند. خط ۸ به این معنا است که اگر هر حالت دیگری به جز حالت قبل بود مقدار false برگردانده می‌شود. در خط ۱۲ نمونه‌ای از حلقه‌ی for نمایش داده شده است. در اسکالا حلقه‌ها به صورت‌های متنوعی می‌توانند بیان شوند که در این مثال یک حالت از آنها نمایش داده شده است. در خط ۱۲ متغیر pre برای گرفتن مقدار موقت حلقه تعریف شده است. نکته‌ی جالب توجه این است که در این خط، نوع متغیر تعریف نشده است. در بخش قبل ذکر شد که اسکالا دارای خاصیت بررسی گونه‌های ایستا^{۳۰}

^{۲۸}Scalable Language

^{۲۹}JRE

^{۳۰}static type checking

```

1 class Course(var id: String, var name: String, var units: Int,
2   var preRequisites: List[Course]) extends BaseDomain {
3
4   override def equals(other: Any): Boolean =
5     other match {
6       case that: Course =>
7         id == that.id
8       case _ => false
9     }
10
11   def printPrerequisites() = {
12     for (pre <- preRequisites)
13       println(pre)
14   }
15
16   override def toString = "[id= " + id + ",name=" + name + ",units=" + units + "]"
17 }

```

شکل ۲.۲: قطعه کد نمونه برای زبان اسکالا

است. ظاهراً این دو امر در تناقض با یکدیگر هستند اما باید توجه داشت که در زبان اسکالا نوعی از استنتاج گونه^{۳۱} در زمان ترجمه اتفاق می‌افتد. در این مورد با توجه به اینکه متغیر `pre` از لیست `prerequisites` مقداردهی می‌شود، گونه‌ی آن در زمان ترجمه قابل استنتاج است. خط ۱۶ تابع دیگری را نشان می‌دهد که در آن تابع `override toString` شده است. نکته‌ی قابل توجه در مورد این قسمت از کد عدم استفاده از علامت `{ }` برای تعیین حوزه‌ی تابع است. در زبان اسکالا به دلیل وجود ویژگی‌های زبان‌های تابعی، می‌توانیم با توابع مانند متغیرها و داده‌ها رفتار کنیم که این بخش از کد مثالی از این ویژگی است. همانطور که در این مثال مشخص است، در زبان اسکالا استفاده از نقطه‌ویرگول (`;`) در اکثر موارد اختیاری است.

^{۳۱}type inference

فصل ۳

کارهای پیشین

در این فصل به ارائه‌ی برخی کارهای پیشین و مرتبط به موضوع این پژوهش خواهیم پرداخت. در مورد هر یک از این موارد به ارتباط آن با بحث جاری، کاربرد و یا نقاط تأثیرگذار آن در موضوع این پژوهش و همچنین ضعف‌ها و نقایص آن‌ها پرداخته شده است.

۱.۳ الگوهای همگام‌سازی

ابزارهای گوناگونی برای آزمون خودکار نرم‌افزار تولید و عرضه شده‌اند که بر پایه‌های مختلف نظری مبتنی هستند. تکیه‌ی ما در این بحث بر روش‌هایی است که از آی‌اوکو به عنوان روش رابطه‌ی مطابقت استفاده می‌کنند.

۲.۳ طراحی به روش ارتباط ناهمگام

این بخش به بررسی روش‌ها و ابزارهایی می‌پردازد که داده‌ها را به عنوان ورودی و خروجی سیستم در نظر می‌گیرند و با تولید ترکیب‌های مختلف از مقایره‌های داده‌ای و رد و بدل کردن آن با سیستم به انجام واری می‌پردازند.

۱.۲.۳ مالتی کور

لف از سه نمادگذاری مختلف پشتیبانی می‌کند. نمودار حالت یوامال، نمادگذاری بی^۱ و نمودار کلاس یوامال. در این ابزار نمودار حالت بیشتر برای توصیف رفتارهای سیستم مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که توصیف نمادگذاری بی بیشتر برای نمایش ساختارهای داده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. خلاصه نمود:

۱. تولید حالت‌های مختلف رفتار سیستم با استفاده از مدل رفتاری داده‌شده به سیستم (مانند ماشین‌های حالت)

۲. محاسبه‌ی مقادیر داده‌ای به هدف یافتن حالت‌های مرزی به ازای هر یک از رفتارهای سیستم

۳. تولید موارد آزمون با استفاده از حالت‌های مرزی و معرفی ترتیب‌هایی از عملیات که در شرط‌های مرزی صدق می‌کنند

شکل ۱.۱. الف) نمونه‌ای از توصیف یک ساختار داده‌ای مورد آزمون در نمادگذاری بی را نشان می‌دهد از این موارد می‌پردازیم:

- آزمون گراتی‌جی اگرچه از تولید خودکار موارد آزمون از روی مدل رفتاری سیستم پشتیبانی می‌کند، اما الگوریتم تولید موارد آزمون در آن مبتنی بر رابطه‌های مطابقت (مانند آی‌اوکو) نیست. نتیجه‌ی عدم پشتیبانی از آی‌اوکو ایجاد محدودیت‌هایی بر روی روش مدل‌سازی است. برای مثال، مدل‌های ورودی ال‌تی‌جی باید همگی متناهی و قطعی باشند در حالی که در آزمون‌گرهایی مانند تورکس چنین محدودیت‌هایی وجود ندارد.
- علی‌رغم پشتیبانی از مقادیر داده‌ای، در ال‌تی‌جی امکان تعریف و توصیف گونه‌های داده‌ای وجود ندارد. این امر باعث می‌شود که محدودیت‌های زیادی در توصیف انواع گوناگون داده به وجود آید.
- برای مدل‌سازی جنبه‌های مختلف سیستم در ال‌تی‌جی نیاز به استفاده از نمادگذاری‌های مختلفی است که این امر هم باعث دشواری در نگارش توصیف‌ها و خوانایی و هم دشواری در نگهداری مدل‌ها می‌شود.
- این آزمون‌گر امکان تولید موارد آزمون به صورت در-لحظه را ندارد و موارد آزمون تولید شده باید ابتدا تولید و نگهداری شده و سپس برای آزمون سیستم مورد استفاده قرار گیرند.

سلام

^۱ B Notation

فصل ۴

روش طراحی پیشنهادی

در فصول گذشته روش آزمون ...

۱.۴ معرفی مطالعه‌ی موردی

- خصوصیت ۱
- خصوصیت ۲

۱.۱.۴ زیر بخش

این فصل فرض بر آن است که موارد کاربرد برای سیستم مورد نظر تهیه شده و موجود است.

تولید مدل رفتاری سیستم

در مدلی که در این مرحله تولید می‌شود، نیازی به مشخص کردن کنش‌هایی که باعث حرکت بین حالت‌های مختلف ماشین می‌شوند وجود ندارد. در واقع نمودار به دست آمده در این مرحله، تنها به هدف مدل‌سازی نمای سطح بالای عملکرد سیستم و مجموعه‌ی حالت‌های آن طراحی می‌ش

تولید مدل رفتاری محیط

آنچه که در ادامه‌ی این متن محیط عملکرد و یا اختصاراً محیط نامیده می‌شود، به طور دقیق عبارت است از اکتورهای که در یک مورد کاربرد با سیستم در ارتباطند. همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، برای حفظ هم‌خوانی ماشین‌های طراحی شد نمودار رفتار سیستم نمی‌شود، بنابراین این مسیر هرگز اجرا نخواهد شد

مشخص کردن و تعریف گونه‌های داده‌ای

اگرچه این بخش به توصیف مدل‌سازی رفتاری سیستم و محیط اختصاص دارد، اما باید توجه کرد که تکمیل مدل‌های رفتاری نمی‌تواند کاملاً مستقل از داده‌هایی که بین اجزای مدل مبادله می‌شوند، انجام شود. همان‌طور که پیش از این اصلی است. در چهارچوب پیشنهادی اجازه‌ی تعریف گونه‌های مستقل (یعنی گونه‌ای که از گونه‌ی دیگری گسترش نیافته است) وجو

۲.۴ طراحی سیستم به روش ناهمگام

۳.۴ الگوها و سبک‌های طراحی

پیش از این، نحو نمادگذاری مربوط به چهارچوب پیشنهادی این پژوهش تشریح شد. در این بخش، در مورد معنای هر یک از اجزای این نمادگذاری بحث خواهد شد. علاوه بر این، مطابقت معنایی این نمادگذاری را با مفاهیم آی‌اوکو مورد بررسی قرار داده و سپس الگوریتم جامعی برای تولید و اجرای یک پارچه‌ی آزمون‌هایی که با این نمادگذاری توصیف شده‌اند، ارائه خواهد شد.

۱.۳.۴ روشهای coordination

روش یک

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در چهارچوب پیشنهادی، توصیف‌های رفتاری چه برای سیستم و چه برای محیط در چندین نمودار حالت بیان می‌شود که هدف از آن کاهش پیچیدگی در طراحی مدل‌هاست. بنا به قرارداد، روش ترکیب این ماشین‌های حالت، روش میان‌گذاری است. به این معنی که

روش ۲

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، توصیف‌های رفتاری محیط نقش محدودکننده را در تولید موارد آزمون ایفا می‌کند. به عبارت دقیق

۲.۳.۴ سبک‌های طراحی

سناریوهای آزمون در چهارچوب پیشنهادی، تعیین‌کننده‌ی رو با توجه به این تعاریف

۴.۴ پیاده‌سازی

نحو و معنایی که برای توصیف چهارچوب پیشنهادی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، در قالب یک مجموعه‌ی ابزار نیز پیاده‌سازی نیز شده

فصل ۵

ارزیابی

در فصل قبل اجزای چهارچوب پیشنهادی این پژوهش به تفصیل تشریح شد و در م

۱.۵ روش ارزیابی

۲.۵ ارزیابی کارایی

سبیس

۳.۵ ارزیابی تغییرپذیری

سبیس

۱.۳.۵ بررسی معیارهای ایستا

با توجه به بزرگی سیستم مورد مطالعه، برای این مطالعه‌ی موردی دو مورد کاربرد از مجموعه‌ی مهم‌تری

۲.۳.۵ اعمال تغییرات

تغییر اول

۴.۵ نتایج ارزیابی

قبل از بررسی نتایج، لازم است برخی نکات در مورد اجرای آزمون‌ها مورد بررسی قرار گیرد. مطابق آنچه در فص

۱.۴.۵ تحلیل نتایج

با داشتن نتای

فصل ۶

جمع‌بندی و نکات پایانی

به عنوان جمع‌بندی متن حاضر، در این فصل به فهرستی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش خواهیم پرداخت. در مورد هر یک از این دستاوردها برخی نکات مهم نیز ذکر شده است. بعد از این، برخی از مهم‌ترین کاستی‌های چهارچوب ارائه شده آورده شده است. این کاستی‌ها در هر دو جنبه‌ی نظری و عملی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نهایت، بر مبنای این موارد برخی جهت‌گیری‌های ممکن برای ادامه‌ی این پژوهش در آینده آورده شده است.

۱.۶ دستاوردهای این پژوهش

این پژوهش، چهارچوبی بدیع برای آزمون سیستم‌های نرم‌افزاری بر سیستم واقعی استفاده می‌شود.

در واقع چهارچوب پیشنهاد شده تلاش می‌کند تا مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از فعالیت‌ها برای آزمون را، از اولین مراحل طراحی تا نتیجه‌گیری از مجموعه‌ی آزمون‌ها، پیشنهاد کند. در زیر برخی از مهم‌ترین دستاوردهای هر یک از مراحل این کار آمده است:

۲.۶ کاستی‌های چهارچوب

چهارچوب پیشنهاد شده در این پژوهش دارای کاستی‌هایی نیز هست که کار بیشتری را می‌طلبد. در این بخش به طور فهرست‌وار به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۳.۶ جهت‌گیری‌های پژوهشی آینده

بهره‌می‌برند را نیز می‌توان به شکل زیر برشمرد:

پیوست آ

تطبیق نمادگذاری‌ها

متن برنامه‌ی طراحی شده به روش ارسال ناهمگام پیغام

سلام

متن برنامه‌ی طراحی شده به روش شیء‌گرا

تعریف ذکر شین گذار نمادین به طور ساده به این شکل است:

کتاب نامه

- [1] J. pierre Briot, R. GUERRAOUI, K.-P. Löhr, and K. peter L, “Concurrency and distribution in object-oriented programming,” tech. rep., 1998. [5](#), [9](#)
- [2] C. Hewitt, *Description and Theoretical Analysis (Using PLANNER: A Language for Proving Theorems and Manipulating Models in a Robot)*. Ph.D. thesis, Department of Computer Science, MIT, 1972. [5](#)
- [3] G. Agha, I. A. Mason, S. F. Smith, and C. L. Talcott, “A foundation for actor computation,” *J. Funct. Program.*, vol.7, no.1, pp.1–72, 1997. [5](#), [8](#)
- [4] G. Agha. *Actors: A Model of Concurrent Computation in Distributed Systems*. MIT Press, Cambridge, Mass, 1986. [5](#), [6](#)
- [5] G. Agha and C. Hewitt, “Concurrent programming using actors,” pp.37–53, 1987. [5](#)
- [6] G. Agha, “Concurrent object-oriented programming,” *Commun. ACM*, vol.33, no.9, pp.125–141, 1990. [5](#)
- [7] R. K. Karmani and G. Agha, “Actors,” in *Encyclopedia of Parallel Computing*, pp.1–11, 2011. [7](#)
- [8] R. K. Karmani, A. Shali, and G. Agha, “Actor frameworks for the jvm platform: a comparative analysis,” in *Proceedings of the 7th International Conference on Principles and Practice of Programming in Java*, PPPJ ’09, (New York, NY, USA), pp.11–20, ACM, 2009. [7](#), [8](#), [10](#)
- [9] S. Lauterburg, R. K. Karmani, D. Marinov, and G. Agha, “Evaluating ordering heuristics for dynamic partial-order reduction techniques,” in *FASE*, pp.308–322, 2010. [8](#)
- [10] W. Kim and G. Agha, “Efficient support of location transparency in concurrent object-oriented programming languages,” in *SC*, 1995. [9](#)
- [11] P.-H. Chang and G. Agha, “Towards context-aware web applications,” in *DAIS*, pp.239–252, 2007. [9](#)
- [12] V. A. Korthikanti and G. Agha, “Towards optimizing energy costs of algorithms for shared memory architectures,” in *SPAA*, pp.157–165, 2010. [9](#)

- [13] J. Armstrong, R. Viriding, C. Wikström, and M. Williams. *Concurrent Programming in Erlang, Second Edition*. Prentice-Hall, second ed. , 1996. 9
- [14] P. Haller and M. Odersky, “Actors that unify threads and events,” in *Coordination Models and Languages*, vol.4467 of *Lecture Notes in Computer Science*, pp.171–190, Springer Berlin / Heidelberg, 2007. 10
- [15] E. A. Lee, “Overview of the ptolemy project,” Tech. Rep. UCB/ERL M03/25, University of California, Berkeley, 2003. 10
- [16] C. A. Varela and G. Agha, “Programming dynamically reconfigurable open systems with salsa,” *SIGPLAN Notices*, vol.36, no.12, pp.20–34, 2001. 10
- [17] L. V. Kale and S. Krishnan, “Charm++: a portable concurrent object oriented system based on c++,” *SIGPLAN Not.*, vol.28, pp.91–108, Oct. 1993. 10
- [18] M. Astley, “The actor foundry: A java-based actor programming environment,” Open Systems Laboratory, University of Illinois at Urbana-Champaign, 1998-99. 10
- [19] Microsoft Corporation, “Asynchronous agents library,” <http://msdn.microsoft.com/en-us/library/dd492627.aspx>. 10
- [20] B. V. Martin Odersky, Lex Spoon. *Programming In Scala*. WALNUT CREEK, CALIFORNIA: artima, 2 ed. , 2010. 10

Irregular بی‌قاعده
 Sparse پراکنده
 functional تابعی
 decomposition تجزیه
 atomic تجزیه‌ناپذیر
 shared state حالت مشترک
 behavior رفتار
 Thread ریسمان
 Scheduling زمان‌بندی
 Object شیء
 Object-Based شیء-بنیان
 object-style شیء‌گونه
 Non-deterministic, Indeterminate غیرقطعی
 encapsulated لفافه‌بندی‌شده
 actor model مدل بازیگر
 Semantics معنانشناسی
 Scalable مقیاس‌پذیر
 Concurrent همروند

واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی

Erlang ارلانگ
 Reason استدلال
 fairness انصاف
 static ایستا
 actor بازیگر
 type checking بررسی گونه‌ها

Integrating Functional and Structural Methods In Model-Based Testing

Abstract

Model-based testing (i.e. automatic test-case generation based on functional models of the system under test) is now widely in use as a solution to automatic software testing problem. The goal this testing method is to test complex systems (e.g. systems with concurrent behaviors). By the way, it exploits low-level notations (e.g. transition systems) to describe system specifications. Therefore, modeling some aspects of the system, such as input/output data values, may result in high-complexity of the resulted model or it may not possible at all. On the other hand, there are methods that focus on data-dependent systems. Hereby, they analyze the source code (in a white-box manner), instead if high-level behavioral models, to infer data dependencies and to define test data valuation method. In spite of their power in modeling data items, test behaviors in these methods should be designed manually and therefore, defining numerous and complex behaviors for the test process may lead to difficulties.

In this work, we introduce an integrated framework for modeling both the expected system behaviors and the input/output data structures, consistently. To this end, we have used UML language for modeling purposes. This enables us to describe systems that are both complex in behavior and the data. We have also developed a tool which automatically generates test-cases based on the defined UML models.

Keywords: *model-based testing, automatic test generation, test framework, testing data dependent systems, category partitioning methods.*



University of Tehran
School of Electrical and Computer Engineering

Integrating Functional and Structural Methods In Model-Based Testing

by
Hamid Reza Asaadi

Under supervision of
Dr. Ramtin Khosravi

**A thesis submitted to the Graduate Studies Office
in partial fulfillment of the requirements
for the degree of M.Sc**

in
Computer Engineering

June 2010